خبر

طیب‌نیا پاسخ مؤدیان معترض به افزایش مالیات را داد

سرکشی به حساب‌های بانکی کار جدیدی نیست

● **شرق:** بحث کش‌دار سرکشی به حساب‌های بانکی از سوی دولت، طیب‌نیا را وادار به ایراد سخنانی صریح کرد. وزیر امور اقتصادی و دارایی دیشب در برنامه «تیتر امشب» با اشاره به اینکه سرکشی مالیاتی‌ها به حساب‌های بانکی مودیان پدیده جدیدی در اقتصاد ایران نیست و از گذشته نظام مالیاتی به حساب‌های بانکی دسترسی داشته است، گفت: اینکه برخی می‌گویند مالیات آنها در سال گذشته ۲۰۰ یا ۳۰۰ برابر شده است درحالی‌که درآمدهای آنها افزایشی نداشته، درست است، چراکه آنها در سال‌های قبل از پرداخت مالیات فرار می‌کردند. به گزارش ایسنا، علی طیب‌نیا با اشاره به فرار مالیاتی برخی از افرادی که درآمدهای بالایی دارند، اظهار کرد: این افراد، فرار مالیاتی می‌کردند اما الان که درآمد واقعی آنها مشخص شده است و از آنها مالیات گرفته می‌شود سروصدا راه می‌اندازند و اخیرا پیامدهای آن را نیز دیده‌ایم.

وزیر اقتصاد ادامه داد: برای اصلاح وضعیت نظام مالیاتی از یک‌سو لازم بود تغییراتی در قوانین مالیاتی شکل بگیرد که اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم بر همین مبنا صورت گرفت. از سوی دیگر لازم بود شیوه‌های سنتی شناسایی و تشخیص و وصول با شیوه‌های نوین جایگزین شوند. به این ترتیب طرح جامع به نوعی با شیوه‌های جدید مالیاتی ارتباط بین مودی و مأمور را به طور کامل قطع کرد.

طیب‌نیا همچنین به تکلیف قانونی سازمان امور مالیاتی برای تهیه سامانه اطلاعاتی از مؤدیان اشاره و خاطرنشان کرد: در این سامانه، اطلاعات مودیان به صورت متمرکز جمع‌آوری می‌شود. همین امر باعث می‌شود برخلاف سال‌های گذشته که مالیات عادلانه براساس اطلاعات دقیق از مؤدیان مالیاتی گرفته نمی‌شد در آینده نه تنها نظام مالیاتی عادلانه‌تر شود بلکه درآمدهای مالیاتی نیز افزایش پیدا کند، البته قرار نیست درآمدها با افزایش نرخ‌های مالیاتی بیشتر شود بلکه از طریق شناسایی بیشتر فرار و اجتناب مالیاتی درآمد بیشتری وصول خواهد شد. وزیر اقتصاد در ادامه از تصویب بسته خروج از تورم در قالب قانونی در مجلس خبر داد و گفت: بخشی از احکام این بسته با احکام دولت یا شورای پول و اعتبار یا با مصوبه‌های داخلی قابل اجرا بود و بخش دیگری از آن که نیاز به قانون مصوب مجلس داشت، درحال‌حاضر تصویب و ابلاغ شده است.

وی با تأکید بر اینکه برخی از برنامه‌های این بسته دارای اولویت بیشتری برای دولت هستند، عنوان کرد: یکی از این اولویت‌ها رفع مشکلات نظام بانکی است که کمبود نقدینگی از مسائل مهم در این حوزه به حساب می‌آید.

طیب‌نیا همچنین گفت: دولت سعی دارد در روش تهاتر و فروش اوراق، بدهی‌های دولت را پرداخت کند و اگر قرار باشد بدهکار باشیم باید بدهکار خوش‌حساب باشیم. وزیر اقتصاد ادامه داد: با توجه به اینکه عدم تسویه بدهی‌های دولت به بخش خصوصی می‌تواند باعث تعمیم مشکلات اقتصادی به سایر حوزه‌ها شود، تلاش می‌کنیم از طریق تهاتر انتشار اوراق بهادار و ایجاد بازار بدهی این بدهی‌ها را تسویه کنیم. بدهی‌های دولت به بخش خصوصی نسبت به GDP به ۳۰ درصد نیز نمی‌رسد اما لازم است مردم بدانند می‌توانند اصل و سود طلب خود از دولت را دریافت کنند.

وزیر اقتصاد با اشاره به اینکه دولت در ابتدای فعالیت خود هفت اولویت اقتصادی را در نظر گرفت که شامل تقویت امکان ثروت‌آفرینی توان مالی پایدار دولت و افزایش شفافیت در اقتصاد می‌شود، گفت: بر اساس این اولویت‌ها برنامه‌هایی همراه با زمان‌بندی مشخص نیز برای وزارت اقتصاد و سازمان‌های تابعه تعریف شد.

طیب‌نیا دراین‌باره خاطرنشان کرد: در کنار این اولویت‌ها هشت پروژه کلیدی نیز برای دولت تدوین شد که از آن جمله می‌توان به طرح جامع مالیاتی؛ هوشمندسازی خزانه؛ مولدسازی دارایی‌های دولت؛ روزآمدسازی نظام تأمین مالی شامل اصلاح نظام بانکی و بازار سرمایه؛ ساماندهی سهام عدالت؛ طراحی یک طرح جایگزین سهام عدالت برای افزایش کارایی؛ بهبود فضای کسب و کار؛ تسهیل تجارت فرامرزی و بستر یکپارچه برای تبادل اطلاعات بین بخش‌ها و سازمان‌های اقتصادی آن اشاره کرد. وزیر اقتصاد با اشاره به ارتقای رتبه ایران در زمینه فضای کسب و کار در سطح بین‌المللی از ۱۵۲ به ۱۳۰ گفت: امیدواریم در آبان‌ماه که آمارهای جدید از این امر داده می‌شود، باز هم مانند سال پیش و حتی بیشتر از آن ارتقای رتبه داشته باشیم و به رتبه ۱۰۰ نزدیک شویم و تا پایان کار دولت یازدهم نیز ایران بتواند به رتبه ۷۰ دست پیدا کند.طیب‌نیا با بیان اینکه آینده خوبی را برای بخش واقعی اقتصاد و بازار سرمایه پیش‌بینی می‌کنم، خاطرنشان کرد: در حال خروج از رکود هستیم و تصمیم داریم با جاری‌کردن نقدینگی به بازار سرمایه به مشکلات این بخش هم رسیدگی کنیم.

عدالتخواه در گفت‌وگو با «شرق» از لاغرسازی در کشور انتقاد کرد

امضافروشی کلان با تأسیس شرکت‌های صوری

مهندسانی که به اصول مهندسی پایبند بمانند اسمشان توسط بسازبفروش‌ها وارد لیست سیاه می‌شود

احمد میرخدائی

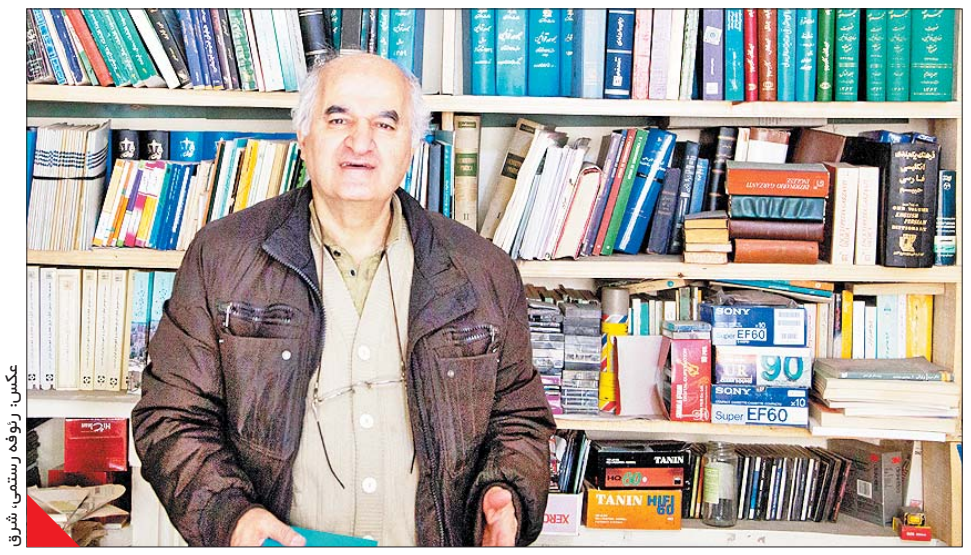

عکس: رؤفه رستمی، شرق

خانه می‌تواند هر جایی باشد: «می‌تواند بالای یک ساختمان بلند یا در یک کوچه قدیمی زیر یک بازارچه باشد، بزرگ یا کوچک می‌تواند باشد. می‌تواند برای هرکس مفهومی داشته باشد یا هر رنگی. می‌تواند به رنگ آجر باشد یا به رنگ شیشه و سنگ، می‌تواند، به رنگ قرمز یا سبز باشد...» خانه می‌تواند مقاوم یا فرسوده باشد. می‌تواند جوان باشد، اما بی‌جان و خسته. ساختمان‌های زیادی در شهر می‌بینیم که حال ندارند روی پا بمانند. بناهایی که چند سالی بیشتر از ساخت‌شان نمی‌گذرد، اما خیلی زود وا داده‌اند. تابه‌حال، وقتی ساختمانی را تخریب می‌کنند، به دیوارچینی ساختمان‌های همسایه که پس از تخریب، عریان و قابل‌رؤیت شده‌اند، توجه کرده‌اید. گاهی آدم تعجب می‌کند که این ساختمان چطور تاکنون سرپا ایستاده است؛ آجرهایی که کج‌ومعوج و نه به دل، نه به جان روی هم سوار شده‌اند، بی‌آنکه سازنده‌اش با خود بگوید چند نفر قرار است عمری با این مصالح همسایه باشند. عادتِ از کیفیت و کمیت‌زدن برای رسیدن به سود بیشتر در ساختمان‌سازی مشهود است. گرچه تلاش‌هایی برای نظارت و کنترل انجام شده، اما بخش زیادی از این تلاش‌ها به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند. برای بررسی ساخت‌وساز مسکن و ساختمان، گفت‌وگویی با محمد عدالتخواه، استاد معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد، انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

◣ برای ورود به بحث، وضعیت ساختمان‌سازی در ایران را چگونه می‌بینید؟

وضعیت ساختمان‌سازی ایران خوب نیست، دردناک است. حقیقتا، ساختمان حجم زیادی از سرمایه‌های کشور را به خود اختصاص داده و هر خانواده‌ای حداقل به یک خانه نیاز دارد. ازاین‌رو در وهله اول باید مقاومت و دوام ساختمان، قابل‌توجه و بااهمیت قلمداد شود. تعارف نداریم، ایران یک کشور مستعد حادثه و بلایای طبیعی است، مسکن هم یک کالای سرمایه‌ای محسوب می‌شود؛ این دو مورد ایجاب می‌کند مقاومت و استواری مسکن در درجه اول اهمیت قرار بگیرد، اما براساس آمارهای رسمی، عمر ساختمان‌ها در ایران حدود ۲۵ سال است؛ این آمار معنایی جز مقاوم‌نبودن ساختمان دربر ندارد. دردناکی وضعیت ساختمان را می‌شود به این موضوع تفسیر کرد که با وقوع هر حادثه طبیعی باید منتظر انبوهی از خسارت‌های جانی و مالی هم‌وطنان خود باشیم. تقریبا همه به‌صورت برابر در این دردناکی سهیم هستیم و خودمان هم در همین ساختمان‌ها و در معرض همین خطرها قرار داریم.

◣ واقعا چرا کاری نکرده‌ایم که این وضعیت اصلاح شود؟

این سؤال یک جواب مختصر دارد، به‌دلیل سودجویی و کوته‌نگری.

◣ چطور؟ بیشتر توضیح دهید.

از یک سو میانگین عمر و کیفیت ساختمان‌هایمان پایین است و پدیده‌ای که از دیگر سو با آن مواجه هستیم این است که برخی از همین ساختمان‌ها، عمر چندانی ندارند، اما به‌دلیل سودجویی، کلنگ می‌خورند. در اغلب کشورها قانون، با قبول مالکیت افراد، این حق را از مالک می‌گیرد که پیش از اتمام عمر ساختمان و تا زمانی که ساختمان قابل بهره‌برداری است آن را تخریب کند، چراکه این ساختمان، گرچه تحت مالکیت فرد قرار دارد اما، سرمایه ملی نیز محسوب می‌شود، ولی متأسفانه در کشور ما از این دست قوانین وجود ندارد. در سال‌های اخیر چون قیمت زمین چندین برابر افزایش پیدا کرد و شهرداری‌ها نیز اقدام به فروش تراکم کردند، مالکان برای سود بیشتر، قبل از پایان عمر ساختمان دست به تخریب زدند. این مسئله مشکل دیگری نیز برای شهروندان ایجاد کرد، وضعیت شهر به‌گونه‌ای شد که شهروندان گویی در یک کارگاه ساختمانی بزرگ زندگی می‌کنند. مالکان با زدن تابلو و یک پوزش مکتوب، سعی می‌کنند تداوم مزاحمت خود را موجه کنند، اما این مسئله مشکلی را حل نمی‌کند. برای سود بیشتر هم ساختمان چندساله و جوان را تخریب می‌کنیم، در ساخت‌وساز نوین هم، با هر روشی که بتوانیم کلاه بر سر کار می‌گذاریم!

◣ اینکه قانونی برای ممانعت از تخریب نداریم، درست، اما قوانین ریزودرشت دیگری داریم که بر ساخت‌وساز نظارت دارند. من هم می‌دانم این قوانین کارا نیستند، اما چرا این‌گونه است؟ برای استانداردسازی چه باید کرد؟

بازهم سودجویی مالکان و سازندگان؛ افراد سودجو حتی در بین مهندسان هم بودند. امضافروشی به‌جای ارائه خدمات مهندسی، موضوع قابل‌انکاری نیست. یا مهندس واقعا علم مهندسی نداشته، یا برای دستمزد بیشتر و گرفتن کارهای بیشتر، اقدام به فروش امضا کرده است. این مسئله به‌ویژه در زمانی که برج‌سازی در کشور رواج یافت شکل بدتری به خود گرفت؛ به این دلیل که هر مهندس، متراژ محدودی را در طول سال می‌توانست نظارت کند، شرکت‌های صوری ساخته شدند، امضای مهندسان را جمع آوری کردند، برگه‌های مهندسان را در برابر ۱۰، ۱۵ میلیون تومان گرفتند و این ساختمان‌های بلندمرتبه را بدون نظارت ساختند. البته همین اول کار بگویم حساب مهندسان متعهد و سازندگان باوجدان از این قضیه مستثنی است. اگر بگویم همه ساختمان‌ها غیراصولی است و همه خطاکارند، بی‌انصافی کرده‌ام. حساب این دو گروه جداست، اما متأسفانه جوی که بر صنعت ساختمان‌سازی سایه انداخته به‌گونه‌ای است که تخلف‌ها تعمیم داده می‌شود.

◣ مگر بعد از اتمام کار، نام و نشان سازنده و ناظر روی پرونده نمی‌ماند. این یعنی راهی برای بازخواست این افراد باقی می‌ماند. پس چطور به همین راحتی بی‌قانونی می‌کنند؟

این هم یکی دیگر از نگرانی‌هاست. باوجود اینکه امضای مهندسان در پایان کار این ساختمان‌ها وجود دارد اما در صورت بروز حادثه کسی جوابگو نخواهد بود. گرچه جوابگوبودن هم وقتی پای تلف‌شدن جان آدمی در میان باشد دردی را دوا نمی‌کند. هر چند مهندسان در ساختمان‌های کوچک هم امضافروشی کردند اما در حوزه برج‌سازی، چون بحث سودهای میلیاردی وجود داشت این اتفاق با قدرت بروز کرد. هنوز هم پرونده‌های این ساختمان‌ها و سازه آنها قابل بازرسی است اما اتفاقی نخواهد افتاد. از یک‌سو سودجویی سازنده مطرح است و ازدیگرسو دستمزد مهندسان. برای نظارت باید به مهندسان حق‌الزحمه درست پرداخت کرد اما پرداخت‌نشدن دستمزد مکفی هم دلیل نمی‌شود که نظارت را غیراصولی انجام دهند. یک زمانی گفتند یک مهندس با دستمزد محدودی که می‌گیرد نمی‌تواند تمام‌وقت بر ساخت‌وساز نظارت داشته باشد، پس باید مجری ذی‌صلاح کار را اجرا کند. این هم درست و اصولی انجام نشد و عاقبت کسی نفهمید که ساخت‌وساز باید چگونه باشد.

◣ من منظور شما را از مهندسانی که امضافروشی کرده‌اند درک می‌کنم اما همان‌طور که گفتید مهندس متعهد هم داریم. اینها کجای ماجرا هستند؟

بله، با این حرف‌هایی که زدم ممکن است برخی کل گناه را به گردن جامعه مهندسان بیندازند اما باید گفت باز هم مظلوم‌ترین قشر دراین‌میان همین مهندسان بودند. دانشگاه‌های زیادی شروع به تربیت مهندس کردند و وقتی بازار کار مملو از دانش‌آموختگان جویای کار شد، سازوکاری برای مشغول‌شدن این قشر تدوین کردیم؛ به مهندسان حق امضا دادیم و گفتیم بروید قوانین نظام مهندسی را در ساختمان‌سازی نظارت کنید. دراین‌بین هم دستمزد نامکفی برای مهندسی که واقعا متعهد است و سودجویی بسیاری از بسازبفروش‌ها در کنار تعدد مهندسان جویای کار باعث شد رعایت اصول مهندسی فدا شود و به نازل‌ترین حد برسد. در این شرایط یا مهندسان مجبور بودند با مالکان کار کنند و طبق خواسته ایشان تن به امضافروشی و عدم نظارت اصولی بدهند یا می‌توانستند پایبند به اصول مهندسی بمانند تا اسمشان توسط بسازبفروش‌ها وارد لیست سیاه شود. موارد زیادی بوده که مالکان به همدیگر نیز خبر می‌دادند فلان مهندس سخت‌گیر است و نتیجه این می‌شد که مهندس متعهد باید بی‌کار می‌ماند!

◣ چه باید کرد که کل صنعت ساختمان یا اکثریت آن به دست همین مهندسان متعهد و سازندگان باوجدان و کاردان بیفتد؟

مشکل از یک جا نیست. نمی‌شود فقط یکی را درست کرد تا این مشکل برطرف شود. در بین این ساختمان‌هایی که از غیراستانداردبودن آن صحبت می‌کنیم ساختمان‌هایی نیز هست که طبق اصول مهندسی، به دست همین مهندسان و سازندگان کاردان و متعهد ساخته شده‌اند. ضعف نظارت فقط یکی از دلایل افت کیفیت است. یکی دیگر از دلایل اصلی، استانداردنبودن مصالحی است که استفاده می‌شود. در کشور ما نهادی نیست که استاندارد مصالح را کنترل کند. مؤسسه استاندارد به‌عنوان متولی تعیین استاندارد فعال است و علی‌القاعده باید مصالح را نیز کنترل کند و بعد از تأیید، اجازه استفاده بدهد اما در عمل، هر مصالحی که هر تاجر و شرکتی وارد بازار کند، به‌راحتی در ساخت‌وساز مصرف می‌شود و آب هم از آب تکان نمی‌خورد و نتیجه آن کاهش عمر ساختمان‌هایی است که هر یک کل سرمایه صاحب نهایی آن محسوب می‌شود.

◣ پیشنهاد شما چیست؟

قرار نیست شعار بدهیم. کار هم با حرف‌های قشنگ، درست نمی‌شود. یکی از راه‌های پیشنهادی برای بهبود شرایط ساخت‌وسازها این است که ساختمان‌ها نیز مانند اتومبیل برای مدتی تضمین شوند. شرکت‌های بیمه یا خود سازنده، مهندسان ناظری تعیین کنند که ساختمان‌ها را از نظر حسن اجرا و کیفیت مصالح نظارت کنند. در این شرایط، شرکت‌های بیمه یا سازنده برای پرداخت خسارت کمتر، مجبور می‌شوند نظارت دقیق‌تری داشته باشند. به عبارتی گارانتی باید در ساختمان هم اعمال شود. البته به شرطی که شرکت‌های بیمه و سازندگان، قرارداد را به گونه‌ای تنظیم نکنند که موقع پرداخت خسارت احتمالی، باز هم مصرف‌کننده زیان ببیند و خسارتی پرداخت نشود.

> **ساختمان‌های جدید به صورت‌های متفاوت دچار صرفه‌جویی شده‌اند و فقط سازنده می‌داند چه دسته گلی به آب داده است. ما در کلیات زندگی، زیاد با صرفه‌جویی دوست نیستیم اما به عکس ما، بسازبفروش‌ها گاه بسیار صرفه‌جو هستند.**

◣ تجربه جهانی چیست؟ کشورهایی که در کمال ناباوری ما، ساختمان‌هایی با عمر ۱۰۰ سال دارند، چه کرده‌اند؟

تجربه جهانی این است که ساختمان را شرکت‌ها می‌سازند و موظف هستند برای مدتی ساختمان را تضمین کنند، در کشور ما نیز قانونی پیشنهاد شده که پس از اتمام ساخت‌وساز، گواهی فنی برای ساختمان صادر شود. در این صورت مهندسانی که قرار است گواهی صادر کنند، باید در برابر اتفاقات آتی جواب‌گو باشند اما متأسفانه این قانون هم، اینجا و آنجا شروع شد اما عاقبت مسکوت ماند. باید قبول کنیم که در کشور ما زمینه برای اجرای قوانین سالم وجود ندارد. اگر این گواهی باشد، مصرف‌کننده با اطمینان بیشتر ساختمان می‌خرد، چراکه بدون این گواهی، هنگام خرید فقط ظاهر بنا دیده می‌شود و کسی نمی‌داند چه مصالح و تجهیزاتی در ساختمان استفاده شده و اصلا شیوه اجرا چطور بوده است. در جوامع پیشرفته، مسئولیت افراد با پایان ساخت تمام نمی‌شود ولی در ایران، سازنده بعد از اتمام ساختمان می‌رود دنبال کارش و بار مسئولیت بر زمین می‌ماند یا حداکثر می‌افتد گردن مهندسی که مثلا ناظر بوده است. موضوع دیگر که باعث کاهش عمر ساختمان در کشور ما شده، فرهنگ حرفه‌ای معماران و شناخت اصول معماری است. اغلب معماران ما از استانداردهای اولیه استفاده می‌کنند. وحدت نظر برای به‌کارگیری استانداردها وجود ندارد. از دیگر سو، در دوران رونق بازار مسکن، آن‌قدر تقاضا وجود دارد که نمی‌شود انتظار داشت هر ساختمانی را نخرند و همین مسئله راه را برای بسازبفروش‌های بی‌ملاحظه باز می‌گذارد. در کشورهای پیشرفته، از یک سو جامعه متخصصان، از دانش روز بهره‌مند هستند و از سوی دیگر خود جامعه هم شفاف‌تر است. کار خلاف راحت‌تر دیده می‌شود و زودتر جلو آن را می‌گیرند اما فساد بوروکراسی جامعه ما مشکلات را زیادتر کرده است. در مسکن مهر هم که درست شد و دولت متولی آن بود وضعیت خوبی را شاهد نبودیم؛ چراکه دولت می‌خواست با متری ۳۰۰ تا ۳۲۰ هزار تومان ساختمان را بسازد. نتیجه این شد که سازندگان خبره این کار را قبول نکردند یا اگر برعهده گرفتند با زیان مواجه شدند و آن دسته از کسانی نیز، که سوای سازندگان متعهد، وارد این طرح شدند به اندازه پول کار کردند. این شبیه همان کم‌گذاشتن در ساخت‌وساز توسط سودجویان است.

◣ برخی عنوان می‌کنند یکی از مسائلی که ما را به این روز انداخته، سنتی‌سازی و تک‌سازی است؛ نظر شما در این مورد چیست؟

این مسئله هم دخیل است. صنعتی‌سازی هم قیمت را کاهش می‌دهد، هم موجب افزایش دوام می‌شود. سیستم سنتی تولید باید جای خود را به تولید سِری بدهد. وقتی در جامعه نیاز به ساختمان، زیاد است باید به این مسیر برویم. البته از دوران قبل از انقلاب اقدام به صنعتی‌سازی کردیم اما در این راه نیز ناکام ماندیم. تنها چیزی که نصیبمان شد بلندمرتبه‌سازی بود؛ چیزی که بیشتر می‌توان لاغرسازی نامید. یک تکه زمین را برداشته‌ایم و بدون رعایت تناسب سطح و بلندا، باریکه‌ای در زمین کاشته‌ایم تا بتوانیم واحدهای بیشتری بفروشیم.

◣ بحث مقاوم‌سازی در مورد آن دسته از بیست‌وچند میلیون ساختمان موجود که عمر مفید پایینی دارند و اغلب هم مقاوم نیستند، چه می‌شود؟

برخی از ساختمان‌هایی را که ساخته شده به روش‌هایی می‌توان مقاوم کرد اما در حقیقت باید گفت آب رفته به جوی بازنمی‌آید. گاهی باید ساختمان‌های خطرساز را تخریب و نوسازی کرد؛ چون با جان آدمی سروکار دارد. اما حقیقت این است من آن‌قدر که از ساختمان‌های غیراصولیِ جدید می‌ترسم از ساختمان‌های قدیمی‌تر هراس ندارم. گرچه ما ساختمان‌های قدیمی را به عنوان غیرمقاوم و گاه تخریبی برآورد می‌کنیم اما ساختمان‌های جدید به صورت‌های متفاوت دچار صرفه‌جویی شده‌اند و فقط سازنده می‌داند چه دسته گلی به آب داده است. ما در کلیات زندگی، زیاد با صرفه‌جویی دوست نیستیم اما به عکس ما، بسازبفروش‌ها گاه بسیار صرفه‌جو هستند. معماران قدیمی ما با وجود اینکه از اصول مهندسی قدیمی استفاده می‌کردند اما باز هم سعی کردند بنا را به گونه‌ای بسازند که نیروهای عمودی و افقی را تاب بیاورد اما سازندگان ما، به‌خصوص پس از گران‌شدن زمین، در پهنای دیوار هم صرفه‌جویی می‌کنند.

خبر ویژه

۲ هفته تا پایان ثبت‌نام گردهمایی ایران- اروپا

فرصت همکاری برد- برد بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی

● دو هفته تا پایان مهلت ثبت‌نام از متقاضیان حضور در دومین گردهمایی ایران- اروپا باقی مانده است. این برنامه که با حضور مدیران عالی‌رتبه تجاری-اقتصادی سراسر دنیا، مهرماه سال جاری در سوئیس برگزار می‌شود، فرصتی مناسب برای فعالان بخش خصوصی ایرانی، شرکای بین‌المللی آنها و همچنین مدیران کسب‌وکارها و مشاغل گوناگون است تا از این طریق وارد دور جدیدی از روابط تجاری با دنیا شوند. با توجه به نقش جدید اقتصادی ایران در منطقه و جهان و تمایل صنایع جهانی به تعامل اقتصادی با ایران، گردهمایی ایران- اروپا پیام‌آور دوره جدیدی از توسعه اقتصادی ایران است. از اهداف این گردهمایی بزرگ که کمتر از یک ماه دیگر در شهر ژنو برپا می‌شود، می‌توان به رونق کسب‌وکار در ایران و نیز تعامل با شرکت‌های اروپایی اشاره کرد. پدرام سلطانی، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و از سخنرانان همایش، با اشاره به اینکه معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران می‌تواند موجب جذب سرمایه‌های خارجی شود، گفت: «در این همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری که در ایران وجود دارد، به‌صورت کامل تشریح خواهد شد و این امر کمک می‌کند تا سرمایه‌گذاران مسیر حرکت خود را به‌درستی پیدا کنند. گردهمایی ایران- اروپا که با همت فعالان اقتصادی خارج از ایران و شوراهای مشترک برگزار خواهد شد، به بخش خصوصی کمک می‌کند تا به قراردادهای نهایی نزدیک شود». علی سنگینیان، مدیرعامل شرکت تأمین سرمایه امین نیز درباره برگزاری این همایش می‌گوید: «دستیابی به توافق هسته‌ای، نویدبخش گشایش تعامل اقتصاد ایران و جهان در ماه‌های آتی است. ازاین‌رو، فرصت بی‌بدیلی برای نهادهای مالی به‌عنوان شاهراه‌های جذب و تخصیص سرمایه فراهم شده تا با حضور فعال در چنین همایش‌هایی و ارتباط مؤثر با سرمایه‌گذاران خارجی، سکان هدایت جریان سرمایه بین‌المللی را به دست گیرند». حضور صاحبان صنایع اقتصادی مهمی چون حمل‌ونقل، خودروسازی، انرژی و نفت و گاز، صنایع هوایی و بانکداری، در کنار فعالان بخش خصوصی ایران، این امکان را فراهم می‌کند تا فضایی شفاف برای تعامل اقتصادی بهتر و مطمئن‌تر شکل گیرد. پل ونسان یکی از سخنرانان این مراسم و مدیرعامل بخش خاورمیانه، آفریقای شمالی و ترکیه شرکت انرژی RWE درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران می‌گوید: «برای RWE به‌عنوان یکی از پیشگامان نوآوری در حوزه انرژی، بسیار مهم است که در بخش انرژی ایران، به‌دنبال فرصت‌هایی برای ایجاد همکاری متقابل باشد. ما انتظار داریم فرصت همکاری‌های برد-برد در حوزه انرژی پایدار، بهره‌وری از انرژی و اقدامات بازار مانند گذشته بین دو طرف شکل بگیرد». در این همایش، دومینیک دو ویلپن، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه سابق فرانسه و آنا پالاسیو، وزیر امور خارجه سابق اسپانیا، به‌صورت مشترک سخنرانی خواهند کرد. سفیر کنونی سوئیس در ایران جولیو هاس و لیویا لو، سفیر سابق سوئیس در تهران، از دیگر سخنرانان این همایش خواهند بود. مدیران عالی‌رتبه تجاری- اقتصادی اروپایی مانند جیووانی کاستلانتا، رئیس هیأت‌مدیره شرکت بزرگ ایتالیایی صادرات اعتباری SACE و فیلیپ دلور، ریاست شرکت فرانسوی انرژی و حمل‌ونقل آلستوم اینترناسیونال، نیز سخنرانی خواهند کرد و تجارب و مهارت‌های خود را در میان خواهند گذاشت. گفتنی است دومین گردهمایی ایران- اروپا در هتل کمپینسکی ژنو، دوم و سوم مهرماه سال جاری (۲۴-۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵) میزبان جمعی از مدیران عالی‌رتبه تجاری- اقتصادی از ایران و اروپا خواهد بود. علاقه‌مندان برای حضور در این گردهمایی می‌توانند به وب‌سایت europeiranforum2.com مراجعه و ثبت‌نام کنند.